

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه جن

استاد ضرابی

جلسه پنجم ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

آیات شریفه: «وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا (۱۱) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲) وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳) وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵) وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَاءً غَدَقًا (۱۶) لِنَقْتِهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)» - و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن و ما فرقه‌هایی گوناگونیم (۱۱) و ما می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم و هرگز او را با گریز [خود] در مانده نتوانیم کرد (۱۲) و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد (۱۳) و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند (۱۴) ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (۱۵) و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم (۱۶) تا در این باره آنان را بیازماییم و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند وی را در قید عذابی [روز]افزون درآورد (۱۷)»

از هدایت صالحان (به بهشت) تا هدایت ستمگران (به جهنم)!

«وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا» : جنیان مانند انسانها صاحب اختیار و اراده‌اند ، از این رو به اختیار خود یا هدایت الهی را می‌پذیرند یا از آن روبرگردانند. البته هدایت دارای مراتبی است که از نور فطرت آغاز شده، و به سوی رحمت بی‌کران الهی ادامه می‌یابد؛ ما در اینجا به شمه‌ای از مراتب آن اشاره کنیم:

دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی چو شمع خنده زنان ترك سر توانی کرد

هدایت فطرت: «وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» : راهنمای فطرت در موجودات نظام هستی، جنبش و کشش درونی موجودات به سوی مبدئی است که آنان را آفریده است «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» - خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است. «(طه/۵۰) امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه می‌فرماید: «أَيُّهَا الْمَخْلُوقُ السَّوِيُّ، وَ الْمُنْشَأُ الْمَرْعِيُّ، فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ... ثُمَّ أُخْرِجْتَ مِنْ مَقَرِّكَ إِلَى دَارٍ لَمْ تَشْهَدْهَا، وَ لَمْ تَعْرِفْ سُبُلَ مَنَافِعِهَا، فَمِنْ هَذَاكَ لِاجْتِرَارِ الْغِذَاءِ مِنْ ثَدْيِ أُمِّكَ، وَ عَرَفَكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ مَوَاضِعَ طَلَبِكَ وَ إِرَادَتِكَ؟» - ای آفریده هماهنگ، وای نوپدید نگهداری شده در تاریکی رحم‌ها... که پس از آن، از قرارگاهت، به سرایی که ندیده بودی و راه‌های [رسیدن به] منافعتش را نمی‌دانستی، بیرون آورده شدی! چه کسی تو را به کشیدن خوراک (شیر) از پستان مادرت راهنمایی کرد؟ و به هنگام نیاز، جایگاه‌های درخواست و اراده ات را به تو شناساند؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳)

هر موجودی با الهام فطری می‌تواند خوب و بد، خیر و شرّ و حق و باطل مربوط به خود را تشخیص دهد: همانطور که درباره انسان فرمود: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا(شمس/۷-۸)» امام

صادق (ع)، درباره این آیه، می‌فرمایند «أَيَّ عَرَفَهَا وَ أَلْهَمَهَا، ثُمَّ خَيْرَهَا فَاخْتَارَتْ- آن گاه نفس را [میان گزینش هریک از این دو] مخیر نمود و او صاحب اختیار شد». (تفسیر القمی: ۲/ ۴۲۴)

عیب از ماست اگر دوست ز ما مستور است
دیده بگشای که بینی همه عالم طور است
لاف کم زن که نبیند رخ خورشید جهان
چشم خفاش که از دیدن نوری کور است

هدایت عقل: خداوند به انسان قدرت اندیشه داد تا خوب را از بد تشخیص دهد: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ* وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ* وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ- آیا به او دو چشم و زبانی و دو لب ندادیم؟ و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم؟» (بلد: ۸-۹-۱۰) امام صادق (ع) در پاسخ شخصی به نام حمزة بن محمد _ که مقصود از این آیه را پرسید، فرمود: «نَجْدُ الْخَيْرِ وَ نَجْدُ الشَّرِّ- راه نیکی و راه بدی». (کافی، ج ۱، ص ۱۶۳)

عقل و دولت قرین یکدیگرند هر که را عقل نیست، دولت نیست

مولا امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره فلسفه ارسال پیامبران فرمود خداوند چنین می‌فرماید: «پیامبران را پی‌درپی بر مردم فرستاد تا پیمانی را که در میثاق فطرت با آنان بسته بود، ادا کنند و نعمت‌های فراموش شده را یادآور شوند و برسانند آنچه را باید برسانند و آنچه را که در گنجینه‌های خرد نهفته، برانگیزانند» (نهج البلاغه، خطبه ۱) نمی‌توان گفت که نیروی عقل به انسان اختصاص دارد و سایر موجودات از آن بی‌بهره‌اند؛ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را پذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت).» (احزاب/ ۷۲)

عبدالله بن سنان می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم ملائکه بالاترند یا فرزندان آدم؟ آن حضرت در جواب سخن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) را نقل فرمود: «خداوند در فرشتگان عقل بدون شهوت قرار داد و در حیوان شهوت بدون عقل و در انسان عقل همراه با شهوت؛ پس اگر عقل انسان بر شهوتش پیروز گردد او از ملائکه برتر است و اگر شهوتش بر عقل او پیروز گردد او از حیوان فروتر و پست‌تر است» (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۹) از همین آیاتی که نشان‌دهنده نیروی عقل در انسان است، می‌توان از وجود این نیرو در جنیان با خبر شد؛ بویژه که جن و انس هر دو مخاطب تکلیف الهی و جزا و پاداش می‌باشند.

طلب منصب فانی نکند صاحب عقل عاقل آن است که اندیشه کند پایان را

هدایت وحی: امام رضا (ع) در روایتی نیاز به پیامبران و هدایت تشریعی را اینگونه بیان فرمود: «لَأنَّهُ لَمَّا لَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِهِمْ وَ قُورَاهُمْ مَا يُكْمِلُوا ۚ لِمَصَالِحِهِمْ، وَ كَانَ الصَّانِعُ مُتَعَالِيًا عَنْ أَنْ يُرَى، وَ كَانَ ضَعْفُهُمْ وَ عَجْزُهُمْ عَنْ إدْرَاكِ ظَاهِرِهِ، لَمْ يَكُنْ بُدٌّ مِنْ رَسُولٍ بَيَّنَّهُ وَ بَيَّنَّهُمْ مَعْصُومٌ يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ وَ أَدَبَهُ، وَ يَقْفُهُمْ عَلَى مَا يَكُونُ بِهِ إِحْرَازُ مَنَافِعِهِمْ وَ دَفْعُ مَضَارِّهِمْ، إِذْ لَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِهِمْ مَا يَعْرِفُونَ بِهِ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مَنَافِعَهُمْ وَ مَضَارَّهُمْ. فَلَوْ لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِمْ مَعْرِفَتُهُ وَ طَاعَتُهُ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِي مَجِيءِ الرِّسُولِ مَنَفَعَةٌ وَ لَا سُدُّ حَاجَةٍ، وَ لَكَانَ يَكُونُ إِتْيَانُهُ عَتَبًا لِعَبْرِ مَنَفَعَةٍ وَ لَا صَلَاح، وَ لَيْسَ هَذَا مِنْ صِفَةِ الْحَكِيمِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ - چون مردم خود، چنان طبیعت و توانی ندارند که مصالحشان را کاملاً درک کنند و از طرفی، سازنده هستی نیز والاتر از آن است که دیده شود و ضعف و ناتوانی بندگان از ادراک او نیز کاملاً روشن است، پس ناچار باید میان خدا و مردم فرستاده‌ای معصوم باشد که اوامر و نواهی و آموزش‌های او را به آنان برساند و به آنچه منافعتشان را تأمین و زیان‌هایشان را دفع

می‌کند، آگاهشان سازد؛ چرا که در وجودشان وسیله ای که بتوانند با آن، آنچه را بدان نیاز دارند و سود و زیانشان را بشناسند وجود ندارد.» (بحار؛ ج ۱۱، ص ۴۰، ح ۴۰)

سعدالاسکاف می گوید، به خانه امام باقر (علیه السلام) رفتم. اذن دخول طلبیدم. خادم گفت: اندکی تأمل کن، جمعی از برادران شما شرفیاب حضور امام هستند، آنها بروند و بعد شما داخل شوید. چندی نگذشت دیدم دوازده نفر از محضر امام بیرون آمدن با قیافه های خاص و لباس های مخصوصی که برای من نامأنوس بودند! سلام کردند و رد شدند... من داخل شدم به امام عرض کردم: افراد ناشناسی دیدم. فرمودند: «اینان گروهی از برادران جن شما بودند» عرض کردم: آقا مگر آنها برای شما ظاهر می شوند؟! فرمود: «آری؛ آنها هم مثل شما برای فهمیدن حلال و حرامشان نزد ما می آیند.» (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۳۸)

گر راه را از چاه باز شناسند رهروان
کسب رضای حق به عمل می شود ولی
از پرتو هدایت آل محمد است
شرط عمل ولایت آل محمد است

امام کاظم (ع) خطاب به هشام می‌فرماید: «یا هشام! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَ الْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ. یا هشام! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ، وَ نَصَرَ النَّبِيِّينَ بِالْبَيَانِ، وَ دَلَّهُمْ عَلَى رُبُوبِيَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ- ای هشام، خداوند متعال در کتابش صاحبان خرد و فهم را بشارت داده و فرموده است: «پس، به آن بندگان من که به سخن، گوش فرا می‌دهند. وای هشام، خداوند متعال دلایلش را با خرد، کامل کرد و پیامبران را با سخنوری، یاری رسانید و آنان را با برهان، به ربوبیت الهی، راهنمایی ساخت» (کافی، ج ۱، ص ۱۳) همچنین، همه روایاتی که عقل را حجت خدا و فرستاده او معرفی کرده‌اند، اشاره به این نوع هدایت دارند؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ، وَ الْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ- حجت خداوند بر بندگان، پیامبر است و حجت میان بندگان و خداوند، خرد است» (کافی، ج ۱، ص ۲۵)

ای دست محبت ولایت به در آی
وی باطن شرع دوستی کاری کن

«وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا - و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد.»

خداوند هنگام بیرون راندن آدم علیه السلام از بهشت به او نوید داد که او را کمک خواهد کرد و با فرستادن شریعت او را از هرگونه هراسی نجات خواهد داد: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ - فرمودیم: جملگی از آن فرود آید. پس، از جانب من به شما هدایتی می‌رسد، آنان که هدایت را پیروی کنند، برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد» (بقره/۳۸)

اگر انسان و جن ندای فطرت را اجابت کنند، به راهنمایی‌های عقل توجه کنند و دستورهای شرع را انجام دهند، خداوند زمینه رسیدن به کمال را برایشان فراهم می‌کند. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - (محمد/۱۷)» ؛ خداوند می‌گوید: «کسانی را که در راه هدایت کوشیدند، مشمول عنایت خود قرار داده، بر هدایت آن‌ها می‌افزایم و در این راه یاری می‌کنیم، همچنین بینش تقوایی آنان را فروزان‌تر می‌کنیم تا بتوانند درست حرکت کنند» وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيُكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ - و این چنین است که ابراهیم را در سیر آفاقی و انفسی یاری کردیم، [و حقایق عالم هستی و اسرار وجود را برایش نمودار ساختیم] تا به حالت یقین برسد [و حقایق را آشکارا ببیند]» (انعام/۷۵)

آگاهی بر سرانجام دو راه خیر و شر مخصوص به انسان نیست و همه عوالم وجود به گونه خود از آن باخبرند؛ «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ

سُرَادِقُهَا ... - و بگو: دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد، پس هر که می‌خواهد ایمان آرد و هر که می‌خواهد کافر شود، ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته‌ایم که شعله‌های آن مانند خیمه‌های بزرگ گرد آنها را احاطه می‌کند و اگر (از شدت عطش) شربت آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان به آنها دهند که رویها را می‌سوزاند و آن آب بسیار بد شربتی و آن دوزخ بسیار بد آسایشگاهی است. «(کهف/۲۹) اما باقی ماندن بر طریق حق و گوش به تطمیع و تهدید دشمنان ندادن و ایستادن در مقابل وسوسه‌های نفس سرکش و فراموش نکردن یاد آخرت، غرق نشدن در لذات زودگذر دنیا، هنری است که هر کسی در راه آن استوار نمی‌ماند و بسیاری که در تقابل میان حق و باطل، ریسمان الهی و حبل متین او را رها می‌کنند، «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا - اگر بر روش حق استقامت ورزند، همانا آب سرشار به آنان می‌نوشانیم». مقصود از آب سرشار، می‌تواند در یک مرتبه، بینش سرشار درونی باشد که حقایق را برای انسان روشن می‌کند، و در مرتبه دیگر عشق به ولایت حق و لبریز شدن از آن؛ امام باقر (علیه السلام) درباره این آیه، فرمود: «یعنی اگر بر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) و اوصیای (علیهم السلام) از فرزندان او استوار شوند و اطاعت آن‌ها را در امر و نهیشان بپذیرند، با آب فراوان [باران] سیرابشان می‌کنیم. یعنی ایمان را در دلشان جایگزین می‌کنیم. و منظور از طریقه، همان ایمان به ولایت علی (علیه السلام) و جانشینان اوست». (الکافی، ج ۱، ص ۲۲۰) ابوبصیر می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است سپس استقامت کردند. - (فصلت/۳۰)»، پرسیدم. فرمود: «به خدا قسم! آیه همان راهی را می‌گوید که شما می‌پیمایید و این هم اشاره است به «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا». [اگر آن‌ها در راه ائمه (علیهم السلام) استقامت به خرج دهند از آب خوشگوار به آن‌ها می‌آشامانیم]. پرسیدم: «آقا! ملائکه چه وقت بر آن‌ها نازل می‌شوند و می‌گویند: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (فصلت/۳۰)». فرمود: «هنگام مرگ و روز قیامت» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۶)

بند رقیّت ز پایت بر کند
هم چو سر و سوسن آزادی کنید

کیست مولا آنکه آزادت کند
ای گروه مؤمنان شادی کنید

حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی
من از آن روز که در بند توام آزادم
«لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا - خداوند بندگان خود را با نعمت‌هایش می‌آزماید؛ هرکس با غرقه شدن در نعمت‌ها از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فراینده‌ای گرفتار می‌سازد!»: یعنی کسانی که راه فطرت، عقل و پیامبران را انتخاب نکنند و به فساد و تباهی بپردازند، و با این راهنمایی‌ها مخالفت ورزند، بر اساس سنّت تغییر ناپذیر الهی جزا داده می‌شوند، سزای آنها همانا هدایت به سوی دوزخ است! «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا* إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا - همانا کسانی که کافر شدند و ستم کردند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیمارزد و به راهی هدایتشان کند. مگر به راه جهنّم، که برای همیشه در آن ماندگارند و این (عذاب و کیفر) بر خداوند آسان است. «(نساء/۱۶۸) امام باقر (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ ... ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ (حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا - کسانی که ... در حق آل محمد (ظلم کردند هرگز خدا آن‌ها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد مگر به راه دوزخ، که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این امر برای خدا آسان است!))» (الکافی، ج ۱، ص ۴۲۴)

پیامبر اکرم (ص) در بیست و پنجمین روز از ماه مبارک رمضان اینگونه دعا کردند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنًا بِسُنَّةِ خَاتِمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ - خدایا مرا در

این ماه دلبسته دوستان و دشمن دشمنانت قرار ده و آراسته به راه و روش خاتم پیامبرانت گردان، ای نگهدارنده دل های پیامبران.»

در قرآن می‌خوانیم: «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند آنها (حزب الله) اند بدانید (حزب الله) پیروزان و رستگارانند.» (مجادله/۲۲)

بولای تو که اگر بنده خویشم خوانی از سر خواجگی کون و مکان برخیزم

در آخرین آیه از سوره مجادله، که از کوبنده ترین آیات قرآن است، به مؤمنان هشدار می‌دهد که جمع میان "محبت خدا" و "محبت دشمنان خدا" در یک دل ممکن نیست، و باید از میان این دو یکی را برگزینند، اگر راستی مؤمنند باید از دوستی دشمنان خدا بپرهیزند و الا ادعای مسلمانی نکنند. بنابراین نعمت دوستی و محبت خدا و اولیاء او و نعمت ولایت که باطن و اساس همه نعمت‌هاست، باید قدر دانسته شود آن‌طور که امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: «وَاسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ، وَلَا تُضَيِّعَنَّ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ، وَلْيُرَ عَلَيْكَ أَثَرُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ - از هر نعمتی که خداوند به تو داده است به طور صحیح بهره برداری کن و هیچ نعمتی از نعمت های خداوند را که نزد تو است، ضایع و تباه نکن، و باید نشانه نعمت هایی را که خداوند به تو داده است در تو دیده شود.» (غرر الحکم ج ۱ ص ۷۵۷)

بر عجز و پریشانی حالم مددی
جز حضرت تو پیش که نالم مددی
بر تو ز نبی نصّ جلی ادرکنی
یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

ای شاه ولایت دو عالم مددی
ای شیر خدا زود به فریادم رس
ای خوانده تو را خدا ولی ادرکنی
دستم تهی و لطف تو بی‌پایان است
صلی الله علی محمد وآله